



ادراختگی

اریم که بخش مهمی از خاطره سازی
ن را در دست داشته اند

مادرانه‌هایی برای پدرسالار



اگر بخواهیم قدری به بازیگری مادر و دختری که در ابتدای نوشته اشاره شد بازگردیم، باید به اثر ماندگار پدرسالار اشاره کنیم که حمیده خیرآبادی مادر ثریا قاسمی در آن نقش آفرینی برجسته‌ای داشت. خیرآبادی در این سریال نقش ملوک، همسر اسدا... خان را داشت که ناچار بود به بسیاری از تصمیم‌های همسرش تن دهد. داستان پدرسالار، حول زندگی اسدا... خان با بازی زنده‌یاد محمدعلی کشاورز و فرزندان او بود. پدری مهربان، خانواده دوست، دلسوز و در عین حال سختگیر و پرعزت بود. به باور او همه پسرانش پس از ازدواج باید در خانه بسیار بزرگ او زندگی می‌کردند. او چنین سیاستی را در مورد دو دخترش «مهری» و «زری» در پیش نگرفت و به همین جهت آنها دارای زندگی مستقلی بودند که همین آغاز اختلاف‌های خانوادگی می‌شد. حرص خوردن‌های ملوک با بازی زنده‌یاد حمیده خیرآبادی جزو بازی‌های ماندگار این بازیگر بود که هنوز هم در خاطر بسیاری از مخاطبان مانده است.



سبزه مثل خانم جون

کمتر می‌توان کسی را پیدا کرد که با سریال خانه سبزه و دیالوگ‌های ماندگار آن خاطره نداشته باشد. زنده‌یاد حمیده خیرآبادی در این مجموعه نقش «خانم جون» مادر رضا با بازی زنده‌یاد خسرو شکیبایی را داشت که در قامت مادر بزرگ بچه‌ها بود. داستان این مجموعه در مورد سه نسل از یک خانواده به همراه جد بزرگ‌شان بود. این سه نسل در یک ساختمان زندگی و در کنار یکدیگر ماجراهای گوناگونی را تجربه می‌کردند. خانم جون در خانه سبزه، دیالوگ‌ها و خاطرات ماندگاری را برای همه مخاطبان رقم زده بود.

او خیلی وقت‌ها با گفتن یک جمله، رضا یا بقیه اهالی را آرام می‌کرد و خیلی وقت‌ها خودش ناآرام بود که مبادا خدشه‌ای به خانواده سبزه‌شان وارد شود. خانه سبزه هنوز هم برای بسیاری از مخاطبان خاطره‌ساز است و نقش زنده‌یاد حمیده خیرآبادی در قامت یک مادر و مادر بزرگ، با این سریال ماندگار شد.



سفر سبزه‌یک خارجی

سفر سبزه را هم باید اثر ماندگار دیگری دانست که با بازی زنده‌یاد حمیده خیرآبادی جاودانه شد. روایت سفر سبزه از جایی آغاز می‌شد که مرد جوانی در کودکی توسط خانواده‌ای آلمانی به فرزند خواندگی پذیرفته و نزد آنان بزرگ شده بود و در بزرگسالی تصمیم می‌گرفت به زادگاهش ایران بازگردد. بازگشت او به ایران و مواجهه شدنش با فرهنگ ایرانی و همراهی آنها، آغاز اتفاقات مختلف این مجموعه بود. خیرآبادی در این مجموعه نقش مادر را کبر را داشت که در سفر

دنیل به ایران، او را همراهی می‌کرد. تقابل دو مذهب و آیین اسلام و مسیحیت و نوع برخورد آنها با هم، از جمله جذابیت‌های این مجموعه بود که مخاطبان را به سمت خود کشاند.



بامن بمان مادر بزرگ

سریال با من بمان را باید اثر دیگری دانست که با نقش آفرینی زنده‌یاد خیرآبادی به یادگار مانده است. با من بمان روایتگر خبرنگار جوان و جسوری به نام نرگس مینایی بود که به واسطه شغلش به جست‌وجوی زنان بی‌سرپرست می‌رفت. او در زندگی گذشته‌اش مشکلی داشت که به مرور ناچار می‌شد با آن روبه‌رو شود. حمیده خیرآبادی در نقش مادر بزرگ نرگس بود که انیس او شد و توانست محرم درد هایش باشد. این اثر به کارگردانی حمید لیکنده بود که پیش از این آثاری مثل در پناه تو و

در قلب من را هم تولید کرده بود. با من بمان اثر ماندگار دیگری بود که نقش زنده‌یاد خیرآبادی را برای مخاطبان ماندگار کرد.

رحیلی برای ننه قمر

از دیگر آثاری که در چند سال اخیر با بازی ثریا قاسمی روی آنتن رفته، می‌توان به مجموعه رحیل اشاره کرد که باز هم روایتی تاریخی داشت. با این حال، قاسمی در این مجموعه نقشی ساده‌تر از عشق کوفی داشت. او در مجموعه فوق نقش ننه قمر را داشت که به بهانه پیدا کردن همسری مناسب برای پسرش از میان خدمتکاران، وارد کاخ می‌شود. پیش از آن هم به عنوان قابله، چند شاهزاده قاجاری را به دنیا آورده بود. ننه قمر مورد احترام بود و با خدمه و کنیزان رابطه خوبی داشت. روایت اصلی



رحیل با پایان دوره قاجار و ابتدای پهلوی شکل می‌گرفت که دختری به نام محبا از سفر کرپلا بازمی‌گشت و روایت دسیسه‌های کاخ قاجاری که دیگر در حال فروپاشی است، شکل می‌گرفت. ثریا قاسمی در این مجموعه استیصال یک مادر در مواجهه با گروگرفته شدن پسرش را نشان می‌داد که چطور توسط برخی افراد کاخ تهدید می‌شد.